

1945

Doc Number: KP000214



کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دیمکرات کردستان ایران

بها: ۵۰ ریال

۱۳۲۶

مهرماه ۱۳۶۳

شماره: ۱۰۰

در این شماره:

- لاف و گزاف رژیم و (۴)
- جامعه نمونه (اسوه) (۳)
- کردستان در نخستین نگاه
- راه ملا آواره راه کرد...
- بمناسبت درگذشت " ایلماز کونی "
- به شفق خون شهدا (شعر)

شماره (۱۰۰) کوردستان

خوانندگان عزیز!

اکنون " کوردستان " شماره ۱۰۰ را پیش روی خود دارید. شماره ۱۰۰ یکی از شماره های است که در سنینست روزنامه نگاری سرفصل جدیدی از حیات و عمر نشریه ای محسوب میشود. برای بیش از روزنامه " روزانه تنها ۳ تا ۴ ماه وقت کافی است تا جشن نشر شماره ۱۰۰ خود را بپایارند. برای نشریه ای هفتگی قریب به دو وصال و برای نشریه ای ماهانه کمی بیش از هشت سال وقت لازم است تا شماره صدش چاپ گردد و بدست خوانندگانش برسد.

بقیه در صفحه ۲

" همسویی " با امپریالیسم

و
خرید سلاح

رهبران حزب توده و نوچه های اکثریتی آنان برای توجیه سازشکاریها و

بقیه در صفحه ۴

دیمکراسی برای ایران خود مختاری برای کردستان



قدغن بوده و مخفیانه به چاپ رسیده است. اما ببینیم چرا انتشار "کوردستان" اینچنین به آهستگی و به کندی انجام گرفته در حالیکه همچنانکسیدانیم در اینمسدت ۱۴ سال هیچگاه نشر روزنامه "کوردستان" متوقف نشده است؟

سرنوشت "کوردستان" در واقع به سرنوشت حزب دمکرات کردستان وابسته است. اگرنگاهی به تاریخ سراسری "کوردستان" بیفکیم میبینیم زمانیکه مبارزه حزب دمکرات در حال رُشد و شکوفائی است در مدت چند ماه عمر جمهوری کردستان ۱۱۳ شماره از آن به چاپ میرسد. سپس که جمهوری کردستان با توطئه مشترک امپریالیزم و ارتجاع سرنگون میشود و فعالیت سیاسی حزب برای مدتی در چار و قفسیگردد "کوردستان" هم بناچار با توقف نشر روبرو میشود. هنگامیکه حزب دمکرات کردستان فعالیت خود را از سر میگیرد و کارهای حزب در آوارگی و در بدری کار سیاسی خود را در باره آغاز میکنند "کوردستان" نیز بعنوان روزنامه حزب در غربت نشر مییابد و در مدت نزدیک به ۱۴ سال ۱۳۳۷ شماره آن توزیع میگردد. کوتاه سخن: سرنوشت

اما برای اینکه شماره "کوردستان" ما به چاپ برسد خیلی بیشتر از آنچه که ذکر شد وقت صرف شده است. شماره یکم این دوره از "کوردستان" در بهمن ماه سال ۱۳۴۹ منتشر شده با این حساب قریب به ۱۴ سال صرف وقت شده است تا "کوردستان" شماره ۱۰۰ چاپ شود و دست شاعر عزیزان برسد.

این خود نمایانگر آنست که چاپ و نشر "کوردستان" با مشکلات بسیاری همراه بود و حتی این گمان را پیش میآورد که "کوردستان" برای مدتی تعطیل و نشر آن قدغن شده باشد. "کوردستان" کنونی در اصل نشریه ای ماهانه بود و علیرغم اینکه پس از سقوط رژیم شاه چند ماهی رویهم در شماره در ماه منتشر میشد، با اینهمه همانطوریکه گفتیم حدود ۵ سال در تیرس از موعد طبیعی شماره ۱۰۰ آن از چاپ خارج میشود.

ناگفته نماند که برای "کوردستان" محبوب ماهیچگاه مسئله آزاد بودن و "توقیف" مطرح نبود و است و بجز در چند ماهه پس از سقوط رژیم شاه که مانند بسیاری از نشریات دیگر آزادی خود را بازور بدست آورد بود، در همه حال



"کوردستان" با سرنوشت حزب گره خورده و "کوردستان" همیشه آئینه‌ای از حیات سیاسی حزب ما بوده است. نظری بر دوره جدید "کوردستان" که اکنون شماره همدم آن منتشر میشود بیفکنیم: شکل و فرم‌های متعدد آن گویای آنستکه از چهارحلی گذشته‌تسا چنانند از موانع و گذرگاه‌های سخت و صعب و پرفراز و نشیب بخود رسیده است. هرچند شماره با قطع ویژه‌یی: قطع بزرگ چاپی، قطع کوچک چاپی با افسست، قطع بزرگ بصورت پلی‌کپی، قطع کوچک کتابی بصورت پلی‌کپی، یکبار در ۴ صفحه، یکبار در ۶ صفحه، یکبار در ۲۰ صفحه، یکبار در ۱۰۰ تا ۶۰ صفحه؛ شماره‌هایی بزبان کردی، تعدادی بزبان کردی و فارسی و بسیاری تنوعات دیگر.

اینها همه تاریخ مبارزه حزب ما و "کوردستان" ما و تصاویری ژنده از مشکلات و موانع موجود بر سر راه ارگان ماست. اما بهتر است ما هم بمثابه همدم و همراز "کوردستان" گوشه‌هایی از آنچه در نهانخانه دل داریم

بر زبان آوریم و زوایایی از حیات ارگان حزب را بر خوانندگان عیان سازیم: نخستین شماره‌هایش در غربت به چاپ رسیدند. علی‌رغم اینکه دور از دیار میزیست اما به حق آئینه تمام نمای خواست‌ها و نیازمندی‌های توده‌های مردم کردستان بود. میتوان گفت تا مدتی بصورت مرتب و منظم انتشار یافت اما از سخت‌بند کرد آشیانه‌اش بهم‌خورد و در دردی هم دچار درسدی دیگری گردید. شاید بنظر بسیاری تعجب آور باشد، اما شماره‌هایی از "کوردستان" را میتوان دست نشان کرد که ۳ یا ۴ پایتخت کشورهای بیگانه را پشت سر نهاده است تا ما و ایسی پیدا کند و توفیق چاپ یابد.

پس از سرنگونی رژیم شاه، حزب ما برای مدت چند ماه از فضای آزاد یکه حاصل خون و اشک بود استفاده نمود و بصورت علنی به مبارزه سیاسی خویش پرداخت. "کوردستان" هم به‌سبب بهره‌گیری از همین فرصت چند شماره‌ای را با چاپ افسست و بصورت علنی در چندین هزار نسخه انتشار داد. اما همینکه یورش



بقیه : همسویی با

فرصت‌طلبی‌های خود شب و روز در تیب و تاب بودند تا شاید سندی، مدرکی یا دلیل موجه‌نمائی بدست آورند و با استفاده بآن به اثبات "نظر" خود در مورد خصالت "ضد امپریالیستی" رژیم آخوندی توفیق یابند. آنان میکوشیدند مردم را وارد سازند تمامی جنایات هولناکی را که بدستور دستاریند ان آرمکتن صورت میگرفت و کلیه وحشیگریها، تجاوزات آشکار به حقوق افراد، شکنجه‌ها، تیرباران‌ها و سنگسار کردن‌ها را نادیده بگیرند و در این راه تا آنجا پیش رفتند که هر نوع مخالفت و ضدیتی با خمینی و دارودسته‌اش را "همسویی" با امپریالیزم قلمداد میکردند.

یکی از مسائلی که برای چسپانیدن اتهام "خصالت ضد امپریالیستی" به رژیم آخوندی مورد استفاده "رفقای" تئوری‌باف قرار میگرفت، وجود روابط سیاسی میان دولت جمهوری اسلامی و کشورهای عربی و لیبی و برخی از کشورهای سوسیالیستی بود. ارسال جنگ افرازه‌ها و پاره‌ای از حمایت‌های سیاسی را که بویژه

از جانب لیبی و سوریه به ایران صورت میگرفت بعنوان دلایلی غیرقابل انکار در جهت اثبات اتهام یاد شد مطرح میکردند.

هرچند با گذشت روزگار نقاب فریبکارانه رژیم آخوندی بر اثر روشن شدن واقعیت‌ها از هم درید شد و چهره واقعی کارگزاران رژیم از پس پرده ریاض و تزویر بیرون افتاد و بر همگان معلوم گشت که آخوند‌های حاکم مدت‌هاست پنهانی و نیمه آشکار با کلیه محافل امپریالیستی و اقمار آنها (اسرائیل، افریقای جنوبی و تایوان) رابطه دارند و راز معاملات تسلیحاتی آنها با اسرائیل که ریاکاران حاکم غاصب قدس عزیزش مینامند! برملا شد و بدین ترتیب کوس رسوایی خمینی و رژیم وی بر سر هر گوی و برزنی بعد از آمد معدنک هنوز "رفقا" رضایت نمیدادند و همچنان بر "خصالت ضد امپریالیستی" رژیم ضد بشری خمینی اصرار ورزیده هر نوع انتقادی از آن را کماکان "همسویی با امپریالیزم" مینامیدند. تا بالاخره استادان مکتب فرصت‌طلبی و مبلغین ماکیاولیسم نویسن سراز زندان اوین بیرون آوردند و در



"جدیدترین آماری که در دست است نشان میدهد که تعداد بیسابقه‌ای از کشورهای مختلف عالم به کشورهای درگیر در جنگ خلیج اسلحه تحویل میدهند. در حالیکه عده‌ای از کشورهای نقش واسطه‌هایی را میان ابرقدرتها و کشورهای دریافت‌کننده ایفا مینمایند گروهی دیگر از کشورهای تولیدکننده اسلحه خود را با بغداد و تهران - و حتی با هر دو - وارد معامله شده‌اند."

برای "گزارشات سپیری (مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی در استکهلم) بهنگام شروع جنگ میان ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰، عراق از سه کشور اتحاد شوروی، فرانسه و کره شمالی اسلحه دریافت میکرد در حالیکه ایران از آمریکا، اتحاد شوروی، فرانسه، ایتالیا و بریتانیا نیازمند بیهای تسلیحاتی خود را تأمین میکرد."

اکنون ۱۸ کشور به عراق و ۱۷ کشور به ایران اسلحه می‌فروشند و طبق گزارشات سپیری در حدود ۱۰ کشور دیگر هم به ایران و هم به عراق اسلحه تحویل میدهند. مؤسسه سپیری که تحقیقات آن

دوران پرمهر و عطفوت! رژیم جمهوری اسلامی اقتضای راجعائی رسانند که مارکسیزم راهم "به بن بست رسیده" اعلام کردند!

بهر حال گرچه موضوع خریدهای تسلیحاتی رژیم آخوندی از آمریکا، اسرائیل، تایوان و آفریقای جنوبی در استان کهنه‌ایست و موضوعی نیست که حتی سردمداران رژیم ارتجاعی خمینی نیز منکر آن باشند، با وجود این ترجمه بخشی از مقاله "تحقیقی" فیلیپ مارفلیت" که در مجله "میدل ایست" ژوئن ۱۹۸۴ بچاپ رسیده است بهیچ عنوان نمیتواند خالی از فایده باشد چرا که حداقل بهره‌ای که از خواندن آن میتواند حاصل خوانندگان عزیز گردد اینست که دست کم گوشه‌ای از بازار جهانی فروش اسلحه و بندوبست‌های پنهانی مربوط به آن آشکار خواهد شد و خواهند دید که در زمینه روابط بازرگانی و اقتصادی بین دولتها بویژه در مورد فروش اسلحه تقریباً آنچه بحساب نیاید "همسوئی" یا "غیر همسوئی" سیاسی است!

بگذارید حقایق را از برگردان نوشته‌های "فیلیپ مارفلیت" بیرون بکشیم:



لاف و مگراف رژیم و وضع کردستان (۴)

موضع دوستان و دشمنان جنبش

در ابتدا ای پیروزی انقلاب شکوهمند خلقهای ایران جنبش ملی - د مکرانیک کردستان برهبری حزب د مکران هنوز برای بسیاری از مردم مناطق د یگرایران ناشناخته بود. ازیکسو تبلیغات شوم د هها ساله حکومت های شوونیست ایران د درخواست حقوق ملی را با تجزیه طلبی همسان شناساند ه بود. ازسوی د یگر کسانیکه تمایلات عظمت طلبانه ویژه ملت فرمانروا داشتند چهره میان محفلها و جمعیت های روشنفکر و چه در بین گروهها و سته های سیاسی تخم بد بینی و شک و گمان میپاشیدند و سیمای واقعی جنبش را با ابری نیسره میپوشانیدند. آخوند های تازه بقدرت رسید هم که علیه هرگونه خواست عار لانه و عقاید ترقیخواهانه موضع گرفته بودند، از این برخورد های شوونیستی استقبال میکردند و از آن بمنظور تحریک و تهییج

هواداران نا آگاه خود سود میبردند. از احزاب و سازمانهای سیاسی هم برخی چون حزب توده آگاهانه به دشمنی با جنبش خلق کرد برخاسته، برای خود شیرینی ویافتن جای پایسی در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی بگونه ای بسیار خائنانه و فرصت طلبانه جنبش را بزیر حمله گرفته بودند. توده ایی هها به دشمنی کوری بارهبری جنبش یعنی حزب د مکران برخاسته حتی پیشمرگان انقلابی و حق طلب کردستان را "د انقلاب" مینامیدند.

بسیاری د یگر از گروهها و سازمانهای سیاسی هرکدام به بهانه های وهریک از د ید گاهی، خواه بعلمت حسادت و خواه بمنظورهای سیاسی مشخص مانند جای حزب را گرفتن، یادست یابی به امکان فعالیت علنی د ر چهارخوب رژیم جمهوری اسلامی، ویا بالاخره بعلمت عدم اطلاع کافی د رمورد وضع کردستان و جنبش



د مكرات، بطرق گوناگون با حزب د مكرات
مخالفت و دشمنی میورزیدند.

همانطور که گفتیم همه اینها را
دست بدست هم داده در آسمان
جنبش کردستان ابرسیاهی پدید
آورد بودند که مانع دید روشن مردم
مناطق دیگر ایران از جنبش میگردید.
به همین جهت رژیم د راوایل با آسانی
میتوانست تعداد قابل توجهی از
همینان را علیه مردم کردستان بسیج
کند و امید انهای جنگ تحمیلی کردستان
رزانه نماید. د ربروشهای شدید و گسترده
سالهای ۶۰، ۵۹، ۵۸ و حتی ۶۱ نیروهای
د ولتی نیز، شمار کسانیکه د اطلبانسه
برای جنگ د کردستان آمده بودند قابل
توجه بود، زیرا که گمان میکردند با گروهی
کافر، مخالف وحدت و یکپارچگی ایران و
وابسته به بیگانه میجنگند، نه بایک خلق
مسلمان میهن پرست حق طلب.

لیکن اکنون خوشبختانه حقانیست
جنبش ما برای اکثریت مردم ایران روشن
شده است و بسیاری از سازمانهای سیاسی،
آنانکه در گذشته موضع خصمانه ای علیه
حزب و جنبش داشتند، تغییر موضع
داده اند. بعضی از آنان بر اثر تجربه

چند سال گذشته عملاً به استقلال،
حقانیت و انقلابی بودن جنبش و حزب
پی برده بجای دشمنی راه دوستی
در پیش گرفته اند. برخی هم نظیر حزب
توده در ادامه خیانتهای خود ناکام
مانده، علیرغم همه خوش خدمتی ها از
سوی رژیم سرکوب شده اند. عده ای
از سازمانهای خلقی و انقلابی مانند
مجاهدین هم که هیچگاه علیه حزب
و جنبش موضع نگرفته بودند گامهای
بزرگتری برداشته با حزب رهبر جنبش
همپیمان گشته اند.

با خوشوقتی میتوان گفت که کردستان
انقلابی در حال حاضر برای همه ایران
بصورت الگو درآمد است. اکنون از سراسر
ایران باین سنگر تسخیرناپذیر چشم
دوخته اند. حتی در خارج از کشور نیز
بسیاری از سازمانهای سیاسی ایرانی باین
افتخار میکنند که بشیوه ای در جنبش
ملی - د مکرانیک مردم کردستان سهیم اند و
این البته بحق هم مایه افتخار است.
گرد و غبار تهمت تجزیه طلبی نیز بمقدار
بسیاری فرونشسته، خواست خور مختاری
مردم کردستان بدرون توده های مردم

جامعه نمونه (اسوه) ولایت فقیه

(۳)

اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی بعلمت نبود یکخط روشن در برخی از موارد در تضاد آشکار قرار دارند.

اصل سوم مقرر میدارد که: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای آموزش بکاربرد؛
 ۶- محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی ۷- تأمین آزار یبای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

اما گفتیم که اصل دوم قانون اساسی حاکمیت را مختص خدای یکتا می‌شناسد و تشریح را اختصاصی وی و هم‌امکف و مجبور به قبول اوامر و نواهی آن میداند. این اوامر و نواهی از طریق وحی بر پیامبر و تابع وی بر امت و نیز از طریق امام ابلاغ میشوند. بنابراین انسان در این شیوه

تفکر نه تنها مختار نیست غیر از اندیشه مذکور در اصل دوم تفکری را شتمبامد، بلکه در واقع از اعتقاد به هرگونه اندیشه آزاد یخواهانه و ورود در بحث از مسائل منع میگردد. از آنجا که سیاست هنرمکن است و مسائل اجتماعی را محلهای خاص خود را دارند و اندیشه‌های گوناگون طبقات و اقشار جامعه از وابستگی طبقاتی آنها سرچشمه میگیرند، ابراز اندیشه در محیطی امکان دارد که در آن از فشار و جبر و تحمیل عقاید اثری نباشد، ارزش و برابری انسان در برابر قانون محترم شناخته شود و همه بهانه داشتن اعتقادات مذهبی و شخصی کسی تحت پیگرد قرار نگیرد. در چنین شرایطی است که امکان رشد اندیشه‌ها فراهم میگردد، در حدالیکه اصل دوم قانون اساسی شیوه تفکر را تعیین و قالب آنرا از قبل معلوم میکند. هرکسی را شایستگی ورود در حریم انسانی نمیداند و تنها کسانی را صاحب این امتیاز میداند که در زمره صاحب‌اند. در اصل دوم قانون



اموالهم* (مردم بر اموال خویش سلطه دارند) و مالکیت مشروع مندرج در اصل ۴۴ قانون اساسی آنان را مشمول اصل دوم قانون اساسی قرار میدهد و میتوانند از کرامت انسانی و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (بند ۶ از اصل ۲) برخوردار شوند. بدین ترتیب مسأله استکبار حل میگردد !!

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راجع به حقوق ملت* چنین مقرر میگردد: اصل نوزدهم -

" مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهند بود ". صرف نظر از بدگاه محسوس و تنگ نظرانه نویسندگان قانون مذکور که همانند اسلاف خود از شناسائی خلقهای ایران و اعتراف به حقوق ملی کرد و بلوچ و آذری و عرب در ایران ابا دارند که این خود بنحوی دیگر تفوق شوینیسم فارس را صورت قانونی و مذهبی بخشید و حاکمیت آنها بر خلقهای ایران تحمیل میکند. اساساً همانطور که ملاحظه میشود در اصل فوق مذکور در ردیف رنگ و نژاد و زبان بقیه در صفحه ۲۱

اساسی چهارچوب حکومت و حاکمیت معین است. بموجب این اصل فقهای جامع الشرایط بنیابت از امام که حلقه وصل ناپیدای فقها و مدعیان ولایت با پروردگار است در مقام تفسیر قوانین شرعی و در رأس هرم حکومت قرار دارند. سایر آخوند ها که روحانیون و " قشر علما " نامیده میشوند در کنار فقیه نقض توضیح گستر تفاسیر وی از شریعت و آمار سازی امت را بسوی خدا (سیر تکاملی) برعهده دارند. در قاعده " هرم نیز امت کالانعام " قرار گرفته است که جزئیات لحظه های زندگی وی از قبل تعیین گشته، شیوه تفکر وی در حضور و خلوت بقالب کشیده شده و مجاز نیست در تمام مدت عمر بکاری مشغول شود یا به چیزی بیندیشد که در دایره شمول تجویز فقیه قرار نگرفته باشد. البته علی الظاهر مستکبران نیز که مستضعفان سلطه کردند در قاعده " هرم حکومت قرار دارند و مستضعفان با قبول نظام ولایت فقیه میتوانند با استکبار طویل المدت آنان خانه دهند. اما اگر صدارت و سیادت فقها مورد قبول مستکبران واقع شود، نظام فقاہت نیز بنا بر اصل مشهور " الناس مسلطون علی"

کردستان در نخستین نگاه

(نامه‌ای از یک هم‌میهن غیرکرد آزادخواه
که از کردستان دیداری کرده است)

گشتن مبارزه در کردستان همانا درک سلوک
در مکرانیک خلق از سوی حزب و لمس برخورد
در مکرانیک حزب از سوی خلق در زندگی
روزانه‌اش می‌باشد. بطور مثال هنگامیکه
رژیم جمهوری اسلامی مذاکره را در واقع
برای تفرقه‌انداختن در صف خلق و ظاهر
برای پایان دادن به جنگ در کردستان
مطرح ساخت از آنجا که خلق کرد هنوز
با چهره واقعی رژیم آشنا نگشته بود و در
مجموع مذاکره را راه‌حلی میدانست، و
با اینکه بسیاری از واقعیت‌ها که برای خلق
آشکار نگشته بود برای حزب روشن نبود
حزب مذاکره را پذیرفت. این سیاست
برخوردی در مکرانیک! در مقابل هنگامیکه
رژیم دست به تهاجمی همه‌جانبه بر علیه
کردستان یازید، صد هاپشمرگ بصفوف
پیشمرگان حزب پیوستند و این پاسخی
از سوی خلق کرد بود؛ یعنی سلوکی در مکرانیک

در کردستان ایران واژه‌ای که برای ما
انابه فقط و فقط، و صرفاً "مفهومی
هنگستانی" داشت در حال تغییر ماهیتی
گرفته است. مبارزه، پرافتخار و
نتیجه‌ناپذیر و خونین خلق کرد برهبری
زب در مکران کردستان ایران در دل
هستانهای آغشته‌بخون قرن‌ها مبارزه
واژه‌ای صرف در فرهنگ ما واقعیتی
نی می‌بخشد. این واقعیت سر بر آوردن از
مبارزه همانا "آزادی" است. این
واقعیت - آزادی - در مقطع کنونی خود را
بفون در مکران نوپای در حال تکوینی جسم
می‌بخشد که در سلوک در مکرانیک خلق و
برخورد در مکرانیک حزب تجلی یافته است
بر شعار "مکران برای ایستادگی
خود مختاری برای کردستان"
و قانونی تاریخی می‌بخشد.
اصل اساسی گسترش یافتن و ژرف‌تر



در برابر برخوردی د مکراتیک .

برای خلق، حقانیت و دشمنان نهایتاً
به تائید اسمی شعار میانجامد، ولی
حقانیت در عمل انعکاس خود را در سلوک
بازمیابد. این همان بازتابی است که در
کردستان با گسترشی توده‌های خود را
مینمایاند. در رک، خلق کرد بر هر آنچه که
با حزب د مکرات را با خود دارد بانگاهی
د مکرات مینگرد. یعنی اگر آنرا درست
بداند در عمل بر آن تداوم میبخشد و در
شعار از آن دفاع میکند، و اگر نیز با عمل کرد
ویژهای مخالف باشد آشکارا و بدون
پرده پوشی آنرا ابراز میکند که این نیز
زائید به برخورد د مکراتیک حزب با
مسائل مطروحه از سوی خلق کرد است.
خلق کرد کاملاً در رک کرده است که امکان
دارد بعضی از عملکردهای حزبی نوپا
و نارس و حتی در بعضی موارد اشتباه باشد،
ولی کاملاً بر این امر یقین دارد که هیچکدام
از عملکردهای حزب غیر د مکراتیک نیست.
همین زمینه باعث گشته حزب در برابر
اشتباهات استراتژیک مصونیت خود را
یابد. یعنی فضای د مکراتیک حاکم بر خلق
کرد و حزبی سدی تاریخی را در برابر
شکل‌گیری و رشد انحرافات تشکیل میدهد،

و بدین ترتیب اعتماد متقابل بین خلق کرد
و حزبی یعنی حزب د مکرات کردستان
ایران ایجاد گشته که برای حزب محک
عمل و برای خلق حقانیت در رهبری است.
بطور اجمال میتوان گفت: در شرایط
کنونی، زمینه‌های مادی ملموسی (بطور
مثال مشکلات روزمره توده‌ها) برای پیوند
باز هم ژرف‌تر حزب و خلق وجود دارد.
حزب بر پایه عملکردش از آغاز تشکیل تا
سرنوشتی رژیم شاهنشاهی توانست مسود
عناصر محدودی را بر حول محور شعار
"د مکراسی برای ایران و خود مختاری
برای کردستان" و بر مبنای مبارزه سیاسی
عناصر حزبی بر علیه رژیم شاهنشاهی
سازماندهی کند.

لیکن پس از بر ملا گشتن ماهیت
ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، بویژه
در طی جنگ سهاهه کردستان، حزب
با استقبال توده‌های روبرو گشت. این
استقبال همچنین بدرقه گذشته حزب
نیز بود و حزب د مکرات را ناگزیر ساخت
با بسیاری از یارگاره‌های متعلق بگذشته
بدرود گوید. حزب در مسیری آغاز به
پیشروی کرد که میتوان گفت بسیاری از
بقیه در صفحه ۳۵



بقیه : شماره ۷۰۰ (کوردستان)

بی امان رژیم خمینی علیه حقوق و آزادیهای مردم ایران و بالاخص مردم کردستان آغازگشت و حزب دمکرات کردستان ایران اسلحهبدست در کوهستانها سنگرگرفت " کوردستان " هم بمثابة یاری باوفا باشهروداعگفت و درخانههای دوزده وغارهای نم دار انتشاراز سرگرفت . ازآهننگام نابحال حیات وی باحیات حزب درهم آمیخته و درتلخی و شیرینی و پیروزی و شکستش شریک گشته است .

" کوردستان " روزنامه حزب دمکرات کردستان ایران در واقع زبان حال همه مردم کردستان ایران است . درست است که ۱۰۰ شماره این دوره از " کوردستان " در مدت چندین سال وبه اشکال گوناگون چاپ شده است اما به گواهی دوست و دشمن و علی الخصوص خوانندگان عزیز در همه احوال منبسر آزادی مردم کردستان بوده و نیازمند یهای آنها را به وضوح مطرح نموده است .

" کوردستان " از هر نظر شباهت به حزب دمکرات کردستان ایران دارد و

این امریست بسیار طبیعی . " کوردستان " ارکان کمیته مرکزی است و وظیفه موصلا حیتش ایجاب میکند که منعکس کننده سیاست حزب دمکرات کردستان ایران در بالاترین ارکان تصمیم گیری باشد . " کوردستان " همانند حزب :

- مستقل است : در سیاست و مشی و برداشت و تحلیل تنها چیزی که رهنمای " کوردستان " است منافع و اهداف توده های مردم کردستان است . هیچ نیروئی چیزی بعوی دیگر نمیگردد و راه برای اوتعیین نمی نماید . صفحات این ۱۰۰ شماره " کوردستان " شاهدی زنده در تایید این حقیقت هستند که ارکان حزب ما همیشه از دخالت و کشمکش ها و اختلاف بین نیروهای سیاسی و قدرتهای جهانی پرهیز کرده و بهیچ قیمتی استقلال سیاسی خود را از دست ندادند .

- راستگوست : شاید بارها " کوردستان " مصلحت نداشت باشد که همه حقیقت را بنظر توده های مردم برساند و برای مدتی بعضی چیزها را در دل نگهداشت باشد ، لیکن هرگز به مردم دروغ نگفت است و هیچ مطلبی



بقیه : شماره ۱۰۰ کوردستان

آزاد بیهای مردم ایران و بالاخص مردم کوردستان آغازگشت و حزب دمکرات کوردستان ایران اسلحه بدست در کوهستانها سنگرگرفت " کوردستان " هم بمثابه یاری باوفا باشهروداعگفت و درخانههای دودزده وغارهای نم درار انتشاراز سرگرفت . از آنهنگام تا بحال حیات وی با حیات حزب در هم آمیخته و در تلخی و شیرینی و پیروزی و شکستش شریک گشته است .

" کوردستان " روزنامه حزب دمکرات کوردستان ایران در واقع زبان حال همه مردم کوردستان ایران است . درست است که ۱۰۰ شماره این دوره از " کوردستان " در مدت چندین سال وبه اشکال گوناگون چاپ شده است اما بگواهی دوست و دشمن و علی الخصوص خوانندگان عزیز در همه احوال منبر آزادی مردم کوردستان بوده و نیازمند بیهای آنها را بموضوع مطرح نموده است .

" کوردستان " از هر نظر شباهت به حزب دمکرات کوردستان ایران دارد و

این امریست بسیار طبیعی . " کوردستان " ارگان کمته مرکزی است و وظیفه و صلاحیتش ایجاب میکند که منعکس کننده سیاست حزب دمکرات کوردستان ایران در بالاترین ارگان تصمیم گیری باشد . " کوردستان " همانند حزب :

- مستقل است : در سیاست و مشی و برداشت و تحلیل تنها چیزی که رهنمای " کوردستان " است منافع و اهداف توده های مردم کوردستان است . هیچ نیروئی چیزی بفری در یکتعمیر کند و راه برای او تعیین نمی نماید . صفحات این ۱۰۰ شماره " کوردستان " شاهدی زنده در تایید این حقیقت هستند که ارگان حزب ما همیشه از دخالت و کشمکش ها و اختلاف بین نیروهای سیاسی وقت رت های جهانی پرهیز کرده و بهیچ قیمتی استقلال سیاسی خود را از دست نداد است .

- راستگوست : شاید بارها " کوردستان " مصلحتنداشته باشد که همه حقیقت را بنظر توده های مردم برساند و برای مدتی بعضی چیزها را در دل نگه داشته باشد ، لیکن هرگز به مردم دروغ نگفته است و هیچ مطلبی



تسلیم طلب ، خود فروش و یا مرتجع چیزی بنام حزب د مکررات کردستان سرهم بندی کرده ، علیه حزب د مکررات و خواسته ها و هدف های خلق کرد بمقابله برخاسته اند .

برای " کوردستان " هم اتفاق افتاده است که برای چند ماهی " کوردستان " بدلی د ر کنار آن سبزشود و با بعا ریه گرفتن نام مقدس و محبوب " کوردستان " بخواهد به مسیر پرافتخار " کوردستان " و حزب سر فراز و مبارز زمان خیانت نماید . مسیری که د قیقا " مشی سیاسی همه مبارزان راه د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان است .

اما همانگونه که د مکرانهای بدلی پس از مدتی کوتاه از جامعه کردستان طرد و مهر خیانت بر پیشانی شان زد شد ، بدل های " کوردستان " هم د مدت نهچندان زیاد نصیبی جز روسیاهی و نبرد و چراغ عمر پرازنگ و جاسوسی و خیانتشان خاموش گشت .

اکنون هم که حزب و خلق یکی از حساسترین مراحل فعالیت و مبارزه

برخلاف حقیقت بیان نکرده است . بهمین دلیل " کوردستان " مورد اطمینان مردم کردستان است و نوشته هایش را در زمینه های سیاسی و اجتماعی و . . . چون اسناد و مدارک تلقی مینمایند .

— مترقی است : علیه هر عقیده سیاسی عقب افتاده ای مبارزه میکند ، برای ایجاد یک تحول عمیق اجتماعی میکوشد و سعی بر این دارد که قدرت سیاسی را از دست واپسگراترین اقلیت جامعه ایران بیرون آورد و به طبقات و اقشاری بسپارد که طرفدار آزادی و برابری و عدالت اجتماعی هستند .

بخاطر همین چیزهایی که گفته شد " کوردستان " محبوبیت یافته ، جای خود را در قلب خواننده کرد باز کرده ، بعنوان نشریه ای مستقل ، صادق و مترقی شناخته شده است و خوانندگان پیوسته د انتظار شماره های تازه آن هستند . جالب آنستکه علاوه بر همه اینها ، در یک مورد د یگر هم سرنوشت " کوردستان " شبیه سرنوشت حزب د مکررات کردستان ایران است . میدانیم که در تاریخ مبارزه و فعالیت حزب ، بارها اتفاق افتاده که بعضی افراد خود باختند ،



بقیه: همسویی با

صرفاً جنبه آکادمیک و علمی دارد، در مورد خریدهای جمهوری اسلامی چنین گزارشی میدهد: "در زمان شاه بخش اعظم نیازمندیهای تسلیحاتی ایران را ایالات متحده آمریکا تأمین میکرد. اکثریت جنگ افزارهای تهران امروز نیز به قطعات بدکی و مهمات ساخت ایالات متحده احتیاج دارند. این احتیاجات را ایران به واسطه آفریقای جنوبی، تایوان، آرژانتین، اسرائیل و بریتانیا از ایالات متحده وارد کرده است."

اگرچه مقامات آمریکائی اغلب در مورد این قبیل معاملات اظهار بی اطلاعی کرده اند، با وجود این وقت و وسواسی که در نقل و انتقال این نوع سلاحها بکار می رود تلویحاً نشانگر آنستکه آمریکائیها از وجود این کانالها مطلع بوده آنها را تأیید کرده و حتی خود مبتکر استقارها از آنها بوده اند.

اما امروزه بخش بزرگی از بودجه نظامی در میلیارد دلار ایران صرف خرید اسلحه از کشورهای مسائی میگردد که در واقع حکم واسطه فروش جنگ افزارهای ساخت شوروی و کشورهای اروپای شرقی را

دارند. ایرانیها با خرید اسلحه از سوریه و لیبی و مخصوصاً از کره شمالی منابع تأمین نیازهای جنگی خود را متنوع ساخته اند. کره شمالی در سال ۱۹۸۲ تقریباً ۴۰ درصد نیازمندیهای تسلیحاتی ایران را تأمین کرده است.

طبق گزارشات مؤسسه مذکور: "عراق نیز بخش اعظم جنگ افزارهای خود را از اتحاد شوروی خریداری میکند لیکن این کشور نیز طی سه سال گذشته بسیار کوشیده است منابع تأمین نیازمندیهای تسلیحاتی خود را متنوع سازد، بگونه ای که امروز فرانسه بصورت یکی از بزرگترین فروشندگان اسلحه بآن کشور درآمد داشته و تاکنون سلاحهایی به ارزش تقریبی ۵ میلیارد دلار به عراق صادر نموده است."

جدولی که در پایان مقاله مندرج در مجله "میدل ایست" آمده است روشنگر حقایق بسیاری است:

نخست آنکه - اکثر ولت های عالم در زمینه معاملات تسلیحاتی تقریباً همان سیاستهایی را تعقیب میکنند که در غرضه روابط اقتصادی و بازرگانی با سایر کشورهای ریش گرفته اند. کشورهای



ایران		عراق		نام کشور ارسال کننده یا سالهای مالی
کلیه‌های مالی و صلاح مسکن	صلاح مسکن	کلیه‌های مالی و صلاح مسکن	صلاح مسکن	
*				بین جنوبی
*		*	*	پاکستان
*	*	*	*	کره شمالی
*	*	*	*	کره جنوبی
*		*		فیلیپین
*				تایوان
*				ویتنام
*	*			الجزایر
*	*			لیبی
		*		سودان
		*		مراکش
		**4		اتیوپی
	*			افریقای جنوبی
6 * 4	*			آرژانتین
	*	*	*	برزیل

ایران		عراق		نام کشور ارسال کننده یا سالهای مالی
کلیه‌های مالی و صلاح مسکن	صلاح مسکن	کلیه‌های مالی و صلاح مسکن	صلاح مسکن	
*2	*2		*	آمریکا
*3	*3	*	*	شوروی
	*		*	چین
	*	*4	*	بلژیک
	*5	*	*	فرانسه
	*	*	*	آلمان فدرال
*4	*4	*	*	یونان
	*	*	*	ایتالیا
	*	*4	*	پرتغال
	*	*	*	اسپانیا
*4	*	*4	*	بریتانیا
	*	*	*	چکوسلاوکی
	*	*	*	جمهوری آفریقای جنوبی
	*	*	*	مجارستان
	*	*	*	لهستان
	*	*	*	یوگوسلاوی
	*	*	*	اتریش
	*	*4	*	سوئیس
	*	6 * 4	*	مصر
*	*		*	اسرائیل
	*	6 * 4	*	اردن
	*	*7	*	کویت
	*	*7	*	عمان سعودی
*	*		*	سوریه
	*	*7	*	امارات متحده عربی

- ② این معاملات بطور رسمی صورت نگرفته است بلکه معاهد گران خصوصی و شرکتها یا تجاری، اکثر از طریق اسرائیل، آذربایجان داده اند.
- ③ از طریق لیبی، کره شمالی، سوریه و لشکرهای بزرگ شرقی.
- ④ اسلحه مسکن، اسلحه‌هاست یا قطعات بزرگ.
- ⑤ آخرین سه مرد در ۱۲ فروردین هر یک با نامی نیز به روز از نوع: اف. آ. سی شماره ۱۹۷۴.
- ⑥ آموزش نظامی، مشاورین نظامی یا اعزام سرباز.
- ⑦ کلیه‌های مالی: هیچ: سیدوری



سازنده جنگ افزارهای مختلف تقریباً
 با همان میل و رغبتی که اقدام به برقراری
 روابط تجاری و بازرگانی با کشورهای
 عالم مینمایند، برای یافتن بازارهای
 مناسب جهت فروش مصنوعات جنگی
 و سلاحهای ریزورشت ساخته شده
 در زراد خانمهایشان تلاش میکنند و
 در این راه مسائلی که کمتر مورد توجه قرار
 بگیرد موضوعاتی است که رفقای توجیه‌گر
 توده‌یسی آنرا ملاک و معیار سنجش و
 منای قضاوت‌های فرصت طلبانه خود
 قرار میدارند.

روم آنکه - هرچند وجود روابط
 تجاری میان کشورهای مختلف عالم را
 نمیتوان ملاک و معیاری برای سنجش
 درجه ارتجاعی یا انقلابی بودن این یا
 آن کشور مورد توجه قرار داد، لیکن
 در باره‌ی ازموارد ایجاد ارتباط با
 کشورهای نظیر آفریقای جنوبی که رژیم
 نژاد پرست، فاشیست و ستمگر بر آن
 حکومت میکند و دولت آن علیرغم توصیه‌های
 مکرر سازمان ملل متحد و برخلاف
 اعتراضات جامعه بشریت آشکارا تمامی
 حقوق انسانی اکثریت مردم سیاهپوست
 کشور را تسلط خود را پایمال نموده

است، و نیز معاملات پنهانی و نیمه آشکار
 رژیم جمهوری اسلامی با اسرائیل را نباید
 در چهارچوب روابط تجاری عادی میان
 کشورها بررسی کرد. بخصوص که
 دستاریندان ریاکار با برآهاند اختن
 وسیع ترین برنامه‌های تبلیغاتی علیه
 اسرائیل میخواهند بناحق به مردم دنیا
 بقبولانند که گویا در میان تمام کشورهای
 اسلامی این تنها ایران است که یکتاز
 میدان دفاع از حقوق فلسطینی‌ها است؛
 و این تنها رژیم آوران پرتوان اسلام
 هستند که ظرف همین امروز و فردا
 "قدس عزیز" را از چنگ "رژیم اشغالگر
 قدس" بدر خواهند آورد. کلیه کشورهای
 اسلامی هر یک بگونه‌ای و هر کدام
 به بهانه‌ای از جانب مبلغین رژیم ارتجاعی
 آخوندی به سازش و معاشات با اسرائیل
 منتهم گشته‌اند و بسیاری از آنها نیز بخصوص
 در میان کشورهای عربی مارک همدستی و
 همکاری با صهیونیسم بین‌المللی را
 خورده‌اند. اینجا است که رژیم جمهوری
 اسلامی هرگز نمیتواند خرید اسلحه از
 اسرائیل را چیزی در حدود روابط
 قلمداد کند که مثلاً با نایوان دارد زیرا
 بقیه در صفحه ۱۶



بقیه: لاف و گزاف رژیم و

ایران رفته، و روز بروز بر تعداد کسانی که خود مختاری را حق عار لانه مردم کردستان میدانند و درک میکنند که بدون تأمین خود مختاری برای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران، استقرار مکرسی و آزادی هیچگاه ممکن نخواهد شد، افزود همگروه اکنون دیگر در روابط خود مختاری کردستان برای هیچ نیروی انقلابی و ترقیخواه ایرانی تردیدی برجای نمانده است. آنانکه بایستی خواست بحق مردم کردستان مخالفت میورزند نیروهایی هستند که دشمنی شان آشتی ناپذیر است و تضاد آنان با خواستهای ملی خلقهای ایران یک تضاد بنیادی است. زیرا این نیروها یا هوادار جمهوری اسلامی خمینی اند، که در این صورت دارای عقاید و ایدئولوژیهای قرون وسطائی هستند، و یا طرفدار رژیم سلطنتی هستند که اساس عقیده شان بر شوونیسم فارس استوار است. بعبارت دیگر در فضای سیاسی فعلی ایران تنها آن نیروهایی بمخالفت خود با جنبش کردستان اهمیت دهند که بایستی هم

مخالفت میورزند و جنبش هم غیر از این انتظار دیگری از آنها ندارد. پس از تصویب طرح خود مختاری کردستان از سوی شورای ملی مقاومت، گام اساسی دیگری در جهت شناختن و شناساندن حقوق خلقهای ستمدیده ایران برداشته شد که بنوبه خود تأثیر بسیار نیکویی بر تحکیم پیوند جنبش کردستان با جنبش سراسری ایران نهاد؛ گامی که بدون شک در تأمین آزادی و مکرسی در ایران آیند نقش چشمگیری خواهد داشت. موجب خوشحالی است که هیچکدام از احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی مخالفتی با اصل تصویب طرحی برای خود مختاری کردستان نداشته و اگر هم انتقادی گرفتند از این نظر بود که بعقیده آنان میبایستی طرح مزبور پرمحتواتر و مشتمل بر پیشنهادهای رادیکالتری برای حل مسأله ملی در ایران آیند باشد.

بدین ترتیب، جنبش از جهت اثبات حقانیت خویش، موفقیت بزرگی بدست آورده و به نقطه امید برای همه آزاد پخواهان ایرانی بدل گشته است که ما بسهم خود بآن میبایم و سپاسگزار



تمام احزاب و سازمانهایی هم هستیم که
 به شرکت خود ر جنبش میالند، هر چند
 این شرکت جزئی هم باشد .
 تنها نکته ای که اندکی جای تأسف
 دارد آنستکه هنوز هم بعضی از سازمانها
 نقش حزب را مکررات را آنچنانکه هست
 نشان نمیدهند و حق آنرا آنگونه که
 شایسته است ادا نمیکند . این
 سازمانها در نوشته های خود خیلی
 اوقات جنبش را میستایند بدون آنکه
 مشخص نمایند نیروی محرکه جنبش
 کدام است و گرداننده و رهبر جنبش
 چه کسی است؟ یا گاهی عقایدی
 ناروا ابراز میدارند که بدون آنکه خود
 متوجه باشند توهینی نسبت به جنبش
 بحساب میآید، نظیر آنکه مثلا "میگویند :
 جنبش خود بخورد، یا بدون
 سرپرست و رهبریت است . اینگونه
 اظهار نظرها اغلب بانظر اعلام شده
 خود آنان نسبت به جنبش که آنرا اصیل،
 نیرومند، پیگیر، روا، مردمی و انقلابی
 میدانند مابینت کامل دارد ؛ زیرا که
 جنبشی چگونه میتواند واجد اینهمه
 صفات برجسته باشد اما بدون برنامه و
 فاقد سرپرست و رهبریت باشد . امید وار

باشیم که این سازمانها با دیدی عمیقتر
 و سعه صدری بیشتر بدین حساسات
 و کتمان حقایق به جنبش بنگرند . اگر
 اطلاعاتشان کافی نیست از نزدیک
 ب مطالعه بیشتر بپردازند و اگر
 منظورشان تنها کوچک کردن نقش حزب
 بقصد بزرگتر نشان دادن نقش خودشان
 است بهتر است آنرا بگمارهند زیرا که
 نه آنان بدین ترتیب بزرگتر میشوند و نه
 حزب را مکررات کوچکتر خواهد شد . نتیجه
 تنها بی اعتبار شدن خودشان در نزد
 مردم گرد ستان است .

در زمینه "بین المللی هم جنبش
 گرد ستان بخوبی شناخته شده است .
 در پرتو فعالیتها و اقدامات حزب
 در مکررات، احزاب و سازمانهای مترقی
 دنیا و رسانه های جمعی در خریستان
 وضع گرد ستان و مسأله "خلق کورد
 قرار گرفته اند . در طول چند سال گذشته،
 بارها روزنامه نگاران و فیلمبرداران
 به گرد ستان آمده از وضع زندگی مردم و
 مبارزه "قهرمانانه" پیشمرگان فیلم و رپورتاژ
 تهیه کرده اند که در کشورهای جهان
 نشان داده شده و در روزنامه ها و مجلات
 معروف دنیا انتشار یافته است و این



سیاسی نیرومند ترشده و به پیشرفت‌های بزرگی نائل آمده است. در مقابل، دشمنان جنبش یعنی رژیم خمینی، سلطنت‌طلبان و ناسیونالیست‌های فارس عظمت طلب روز بروز مایوس‌تر گشته، ترس از زیان و درآمدن و تسلیم شمسیدن در برابر سنگ‌تسخیر ناپذیر آزادی و مکرسی یعنی کردستان قهرمان آنان را بیشتر فرا گرفته است.

در حال حاضر، رژیم خمینی علی‌رغم استفاده از تمامی امکانات نظامی خود از هر زمانی بیشتر از کردستان و اهمیت دارد. نیروهای سرکوبگر رژیم که با تحمل تلفات بسیار توانسته‌اند سوراخ موشهایی برای خود در کردستان دست و پا کنند و در آنها بخزند، بهیچوجه قادر به کنترل رژیم آوران دمکرات نیستند و از ترس جان خود شب و روز نگران و مضطرب دست بر ماشه تفنگ در انتظار مرگ بسر می‌برند. در بین فرماندهان نظامی رژیم، آنانکه عملاً در جنگ تحمیلی کردستان شرکت داشته‌اند بدون شك هیچکسی را نمیتوان یافت که بی‌باین واقعیت نبرد باشد که مسأله کردستان را نمیتوان از راه نظامی حل و فصل نمود و بر جنبش نیرومندی چون جنبش

موجب معرفی بیشتر مسأله کردستان به افکار عمومی جهان گشته است.

حزب دمکرات کردستان همانطور که در میدان مبارزه مسلحانه صفات زرینی بر تاریخ مبارزات قهرمانانه خلق کرد افزوده است، در فعالیت‌های خارجی نیز برای شناساندن جنبش کردستان قدم‌های بزرگی برداشته و در ازا خون شهیدانش توانسته است در سراسر دنیا خود را بشناساند. در بسیاری از کنگره‌ها و مراسم مربوط به احزاب و سازمانهای سیاسی جهان، از حزب دعوت بعمل می‌آید و در خیلی از مراسم مربوط به حزب هم پیامهای تهنیت و پشتیبانی از سوی احزاب، سازمانهای مترقی، انجمن‌ها و سندیکاهای کارگری، فرهنگیان و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و حقوقی آزاد بخواه به حزب میرسد. کم‌نویس برجسته آن حدود ۳۰ تا ۴۰ پیام تبریک و پشتیبانی بود که به کنگره ششم فرستاد شد.

بطور کلی جنبش ملی - دمکراتیک کردستان برخلاف لاف و گزاف‌های رژیم نه تنها روبه ضعف ننهاد بلکه چه از نظر نظامی - تشکیلاتی و چه از نظر



کردستان بزور فائق آمد.

کار بجائی رسیده است که مقامات بلند پایه رژیم هم آگاه از بیهودگی راه طو شده، بدنبال راههای دیگر سرکوب میگردد. البته اصطلاح "سرکوب" را از این نظر بکار میبریم که از چنین رژیم واپسگرایی بسیار امید میدانیم به فکر حل عار لانه مسأله کردستان بیفتند. این رژیم چنان ارتجاعی و متعصب است که حتی اگر روزی مطمئن هم گردد باقی ماندنش در قدرت در گرو حل عار لانه مسأله ملی و اجتماعی ایرانست. باز هم مشکل بتواند چنین مسیری را انتخاب کند؛ وگرنه هر کس که اندک آشنایی به سیاست داشته باشد و بایک دید تا اندازهای علمی به مشکلات امروز جامعه ایرانی بنگرد بسیار زود درک خواهد کرد که هیچ رژیمی نمیتواند در ایران مستقر گردد مگر آنکه راهحلی اساسی و بنیادی برای مسأله ملیتهای تحت ستم و بویژه خلق کرد و حقوق طبقات و اقشار زحمتکش و مشکلات دیگر اقتصادی و اجتماعی بیابد. تنها رژیم خشنی است که هر چند همه راههای سرکوب و خفقان را عملاً تجربه کرده و دریافته است که بدین ترتیب هیچگونه

پیروزی دست نخواهد یافت معذرا که از آنجا که در این راه بسیار پیش رفته و پلهای پشت سر خود راهمگی خراب کرده است و امید آنکه در رقلوب توده های مردم در یگر جایی ندارد بهیچوجه نمیتواند از فشار خود بر مردم بکاهد و امکان نفس کشیدن به مخلقیهای ایران بدهد. از سوی دیگر اعتقادات ارتجاعی آخوند های حاکم باند ازهای با راحل عار لانه مشکلات در تضاد است که امکان هرگونه اندیشه مرفعی را از آنها سلب کرده است.

با وجود همه اینها رژیم هم در کردستان و هم در سایر نقاط ایران اکنون در اندیشه توسل به نیرنگهای تازه بمنظور فریب مردم افتاده است. بدیهی است که رژیم اینکار را نه بقصد حل مشکلات، بلکه بمنظور فریب افراد نال آگاه انجام میدهد. مقصود واقعی رژیم آنست که به بادرن بعضی امتیازات فردی ببارد یگر مردم سار مدل را بدور خود گرد آورد و مجدداً آبرویی برای خود دست و پا نماید. مثلاً در کردستان عسدهای "کیوتر آشتی" براه انداخته و به برخی از فرماندهان جانی خود دستور داده است



کردستان بزرگ فائق آمد .
 کار بجائی رسید هاست که مقامات بلند پایه رژیم هم آگاه از بیهودگی راه طی شده ، بدنبال راههای دیگر سرکوب میگردد . البته اصطلاح " سرکوب " را از این نظر بکار میبریم که از چنین رژیم واپسگرایی بسیار امید میدانیم بسفکر حل عادلانه مسأله کردستان بیفتند . این رژیم چنان ارتجاعی و متعصب است که حتی اگر روزی مطمئن هم گردد باقیماندنش در قدرت در گرو حل عادلانه مسائل ملی و اجتماعی ایرانست ، باز هم مشکل بتواند چنین مسیری را انتخاب کند ، وگرنه هرکس که اندک آشنایی به سیاست داشته باشد و بایک دید تا اندازهای علمی به مشکلات امروز جامعه ایرانی بنگرد بسیار زود درک خواهد کرد که هیچ رژیم نمیتواند در ایران مستقر گردد مگر آنکه راهحلی اساسی و بنیادی برای مسأله ملیتهای تحت ستم و بویژه خلق کرد و حقوق طبقات و اقشار زحمتکش و مشکلات دیگر اقتصادی و اجتماعی بیابد . تنها رژیم خشنی است که هر چند همه راههای سرکوب و خفقان را عملاً تجربه کرده و دریافته است که بدین ترتیب بهیچگونه

بسروری دست نخواهد یافت معذرت از آنجا که در اینراه بسیار پیش رفته و پلهای پشت سر خود راهمگی خراب کرده است و امید اند که در قلوب توده های مردم در یگر جایی ندارد بهیچوجه نمیتواند از فشار خود بر مردم بکاهد و امکان نفس کشیدن به خلقهای ایران بدهد . از سوی دیگر اعتقادات ارتجاعی آخوند های حاکم باند ازهای با راهحل عادلانه مشکلات رضاد است که امکان هرگونه اندیشه مرفقی را از آنها سلب کرده است .

با وجود همه اینها رژیم هم در کردستان و هم در سایر نقاط ایران اکنون در اندیشه توسل به نیرنگهای تازه بمنظور فریب مردم افتاده است . بدیهی است که رژیم اینکار را نه بقصد حل مشکلات ، بلکه بمنظور فریب افراد نسبا آگاه انجام میدهد . مقصود واقعهی رژیم آنست که با دادن بعضی امتیازات فردی بار دیگر مردم ساده دل را بدور خود گرد آورد و مجدداً آبرویی برای خود دست و پا نماید . مثلاً در کردستان عهد های " کبوتر آشتی " براه انداخته و به برخی از فرماندهان جانی خود دستور داده است

تصحیح غلطهای چاپی و پوزش

- ۱) در ص ۱۱، بجای نخستین بیت، این دو بیت باید آورده شوند :
بنام همه مردم پر خرد "کزین برتر اندیشه بر نگذرد" *
ولی از شه و شیخ، آیند و پلید نباید دگر رهبری آفرید
- ۲) همانجا، بجای مصراع دوم از بیت ۲، این مصراع باید جایگزین گردد :
پر از رنج و غم باشد از آیند و "شین"
- ۳) ص ۱۵، در نخستین مصراع از بیت ۶، "بنشونده" صحیح است .
- ۴) علامت تعجب، ندا، و امر (!) بگذارید : ص ۳۷، در پایان نخستین بیت . همانجا،
در نخستین مصراع از بیت ۴ و پس از نام "قانون" + ص ۴۱، در پایان نخستین مصراع از
بیت ۳ + ص ۴۹، در دومین مصراع از بیت ۴، و پس از کلمه تعظیم "حضرتش" + ص ۵۱،
در پایان نخستین مصراع از بیت ۱ + ص ۷۵، در نخستین مصراع از بیت ۱ و پس از صفت
فاعلی "رهبر" . همانجا، در پایان بیت ۲ + ص ۷۷، در پایان هر دو مصراع از بیت ۲ .
همانجا، در پایان نخستین مصراع از بیت ۳ . همانجا، در پایان نخستین مصراع از بیت
۶ + ص ۷۸، در پایان تمام ابیات + ص ۷۹، در پایان نخستین بیت + ص ۸۱، در
پایان بیت ۲ + ص ۱۳۸، در پایان بیت ۲ . همانجا، در پایان نخستین جمله اولین مصراع
از بیت ۴ . همانجا، در پایان بیت ۵ + ص ۱۵۶، در پایان نخستین مصراع از بیت ۲ +
ص ۱۷۱، در نخستین مصراع از بیت ۶ و پس از ترکیب "امداد غیبی" + ص ۱۷۲، در
پایان بیت ۲ + ص ۲۰۹، در پایان نخستین بیت + ص ۲۱۳، در پایان نخستین مصراع
از بیت ۲ + ص ۲۱۴، در پایان بیت ۱ + ص ۲۲۰، در پایان بیت ۵ + ص ۲۳۱، در پایان
هر مصراع از ابیات ۳ و ۴، و در پایان نخستین مصراع از بیت ۶ .
- ۵) علامت پرسش (?) بگذارید : ص ۲۳۰، در پایان بیت ۶ + ص ۲۳۱، در پایان بیت ۱ .
- ۶) ص ۵۴، در مصراع دوم از بیت ۳، "بنشونده" صحیح است .
- ۷) ص ۵۹، در نخستین مصراع از بیت ۳، "بنگذشت" صحیح است .
- ۸) ص ۶۲، در نخستین مصراع از بیت ۶، بجای "هزاران"، "فراوان" صحیح است .
- ۹) ص ۸۲، نقطه های (:) آغاز دومین مصراع از بیت ۱ حذف شود .
- ۱۰) ص ۹۶، در مصراع دوم از بیت ۲، "بنگذاشته" صحیح است .
- ۱۱) ص ۱۲۷، در نخستین مصراع از بیت ۵، "هر دستگاه" صحیح است .
- ۱۲) ص ۱۳۴، در دومین مصراع از بیت ۵، "چارپا داری" صحیح است .
- ۱۳) ص ۱۳۵، در طرفین مصراعهای دوم از ابیات ۳ و ۴ علامت فاصله (-) گذاشته شود .
- ۱۴) ص ۱۵۱، در نخستین مصراع از بیت ۵، "بنگذاشت" صحیح است .
- ۱۵) ص ۱۵۸، در نخستین مصراع از بیت ۲، "بنگذشته" صحیح است .
- ۱۶) ص ۱۸۲، در نخستین مصراع از بیت ۶، "بنشناختن" صحیح است .
- ۱۷) ص ۲۰۶، در نخستین مصراع از بیت ۲، "به دو قرن پیش" صحیح است .
- ۱۸) ص ۲۲۲، در نخستین مصراع از بیت ۲، "بنشناسم" صحیح است .
- ۱۹) ص ۲۳۰، در نخستین مصراع از بیت ۴، بجای اسم "کان"، "لفظ" صحیح است .



بقیه: جامعه نمونه.....

حقوق بی بهره اند!!

قرار نگرفتهاست و این بدان معنی است
کسانی که از مذهب رسمی ایران که بر طبق
اصل و ازد همند مذهب جعفری (اثنی عشری)
است پیروی نکنند بار دارندگان آن مذهب
در آرای حقوق مساوی نخواهند بود.

ممکن است در برابر این ایستاد
چنین اسناد لال کنند که برابر اصل و ازد هم
در دیگر مذاهب اسلامی اعم از مالکی، حنفی،
شافعی، حنبلی، زیدی در آرای احترام
کامل اند و پیروان آن مذاهب در انجام
مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند
و آنرا دلیل برابری "اقوام" در ایران ذکر
کنند. اما باید پرسید که احترام کامل
چگونه دارد؟ و در آرای کدام اثر حقوقی
است؟ هنگامیکه از تصدی مقام
ولایت فقیه و عضویت در شورای نگهبان و
شورای رهبری و مقام ریاست جمهوری
در قانون اساسی بحث میشود دیگر از
احترام کامل اثری نیست و پیروان مذاهب
اسلامی غیر شیعی برای احراز مقامات
بالا فاقد اهلیت و صلاحیت شناخته
میشوند. یعنی هر چند که در آرای مذاهب
محترم اسلامی اند!! ولی از برابری

در مورد نیست نخست وزیر نیز در
قانون اساسی هر چند به مراحت دارندگان
مذاهب دیگر از محدودی آن منع نشده اند
لیکن این حق را همچون سایر حقوق از آنان
سلب کرده اند؛ باین دلیل که تمییز
نخست وزیر برابر قانون اساسی با پیشنهاد
رئیس جمهور به مجلس و تصویب آن صورت
میگیرد، اما رئیس جمهور خود برابر اصل
۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی
مكلف به پاسداری از "مذهب رسمی"
است بنابراین بدیهی است پیشنهاد
فردی غیر شیعه به مجلس جهت تصدی
آن مقام مغایر اصل ۱۲۱ تلقی میگردد و
در نتیجه قبول پیشنهاد را نه تنها
از جانب مجلس غیر ممکن میسازد بلکه خود
رئیس جمهور را در معرض اتهام
"نقض اصل ۱۲۱ قانون اساسی" قرار
میدهد. همین امر در مورد پیشنهاد
انتخاب وزیران از جانب نخست وزیر
نیز درست است. بدین ترتیب حسی
طبیعی کسانی که در آرای مذهب شیعه
اثنی عشری نیستند اینچنین از طرف
حکومت مرسوم به "عدل و قسط" اسلامی
نقض میشود. آنان با اینکه مطابق اصل دوم



بقیه: جامعه نمونه.....

حقوق بی بهره‌اند!!

در مورد نیست نخست وزیر نیز در

قانون اساسی هر چند به راحت دارندگان

مذاهب دیگر از تمدی بان منع نشده‌اند

لیکن این حق را همچون سایر حقوق از آنان

سلب کرده‌اند؛ باین دلیل که تعیین

نخست وزیر برابر قانون اساسی با پیشنهاد

رئیس جمهور به مجلس و تصویب آن صورت

میگیرد، اما رئیس جمهور خود برابر اصل

۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی

مکلف به پاسداری از "مذهب رسمی"

است بنا بر این بدیهی است پیشنهاد

فردی غیر شیعه به مجلس جهت تصدی

آن مقام مفایر اصل ۱۲۱ تلقی میگردد و

در نتیجه قبول پیشنهاد را نه تنها

از جانب مجلس غیر ممکن میسازد بلکه خود

رئیس جمهور را در معرض اتهام

"نقض اصل ۱۲۱ قانون اساسی" قرار

میدهد. همین امر در مورد پیشنهاد

انتخاب وزیران از جانب نخست وزیر

نیز درست است. بدین ترتیب حقوق

طبیعی کسانی که دارای مذهب شیعه

قرار نگرفته است و این بدان معنی است

کسانی که از مذهب رسمی ایران که بر طبق

اصل در وارد هم مذهب جعفری (اثنی عشری)

است پیروی نکنند بار دارندگان آن مذهب

در آرای حقوق مساوی نخواهند بود.

ممکن است در برابر این ایراد

چنین استدلال کنند که برابر اصل در وارد هم

در دیگر مذاهب اسلامی اعم از مالکی، حنفی،

شافعی، حنبلی، زیدی در آرای احترام

کامل اند و پیروان آن مذاهب در انجام

مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند،

و آنرا دلیل برابری "اقوام" در ایران ذکر

کنند. اما باید پرسید که احترام کامل

چشمه معنی دارد؟ و در آرای کدام اثر حقوقی

است؟ هنگامیکه از تصدی مقام

ولایت فقیه و عضویت در شورای نگهبان و

شورای رهبری و مقام ریاست جمهوری

در قانون اساسی بحث میشود دیگر از

احترام کامل اثر نیست و پیروان مذاهب

اسلامی غیر شیعی برای احراز مقامات



انسانند و دارای کرامت و ارزش والای
انسانی و مذہبشان مورد احترام کامل
است، برای تصدی مقامات مذکور فوق
اهلیت ندارند.

در ارتباط با مسئله برقراری حقوق
افراد بند ۱۴ اصل سوم مقرر میدارد:
"تأمین همه جانبه افراد/زنان و مرد و ایجاد
امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی
عموم در قانون"

این بند در ارتباط با اصل های
دوم و چهارم قانون اساسی که نظام
مورد نظر جمهوری اسلامی را تعیین و
چهارچوب آنرا مشخص کرده اند
در تضاد است.

اصل چهارم مقرر میدارد: "کلیه
قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی،
اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و
سیاسی و غیراینها باید بر اساس موازین
اسلامی باشد، این اصل بر اطلاق یا عموم
اصول قانون اساسی و مقررات دیگر حاکم
است و تشخیص این امر بر عهده شورای
نگهبان است". بنابراین در صورتیکه
مجلس شورا (که برخلاف قانون اساسی
نام آنرا از شورای ملی به شورای اسلامی
تغییر دارند) بملاحظه ضرورت اجتماعی

قوانینی تصویب کند که با مخالفت شورای
نگهبان روبرو گردد این قوانین ملغی
خواهند شد. همانگونه که در مورد بند ج
قانون اصلاحات ارضی و دولتی کردن
تجارت خارجی پیش آمد. بنابراین اصل
فوق همه امتیازات فردی و اجتماعی متوسط
بفظامهای فقور الی و ماقبل آنرا محفوظ
میدارد و هرگونه اندیشه برابری و
مساوات افراد را در برابر قانون بی اعتبار
میسازد. علاوه بر این مسأله نابرابری
حقوق زن و مرد در اسلام نیز چیزی
نیست که پنهان نگه داشته شود. زن در
مسائل نظیر ارث، شهادت در دادگاه،
احراز شغل قضائی، ازدواج و طلاق قصاص
و امور کیفری دارای حقوق مساوی با مرد
نیست و در قانون اساسی جمهوری
اسلامی نیز بر اصول ۱/۲/۳/۴/
۵/۶/۷/۸/۹/۱۰/۱۱/۱۲/۱۳/۱۴/
۱۵/۱۶/۱۷/۱۸/۱۹/۲۰/۲۱/۲۲/۲۳/
۲۴/۲۵/۲۶/۲۷/۲۸/۲۹/۳۰/۳۱/۳۲/
۳۳/۳۴/۳۵/۳۶/۳۷/۳۸/۳۹/۴۰/۴۱/
۴۲/۴۳/۴۴/۴۵/۴۶/۴۷/۴۸/۴۹/۵۰
برابری
قانونی زن و مرد مرد و شناخته شده است.
اینها مواردی است که قانون اساسی
بصراحت مورد توجه قرار داده است ولی
بقیه در صفحه ۲۴



راه ملا آواره، راه کردپینواست

بوده‌اند؛ فرزند آن لیری که با سربلندی تمام سر بر بالین خاک سرد گذاشته‌اند تا خلقتشان در سایه مبارزانشان به سعادت برسد. در زمان تمامی این سراق‌سرازان سربلند، دستاره، تابناک آسمان غم‌گرفته، تاریخ کردستان "ملا آواره" و "ج‌لال میرآوه‌یی" جایگاه ویژه‌ای دارند:

* * * *

ملا آواره کی بود؟ در خانوادگی روحانی و در یکی از روستاهای سربلند و سرسبز کردستان نازنین، اما اسیرو توسری خورده، در "شلماش" در دامن کوه غرور آفرین "هومل" چشم به جهان گشود. پدرش پیشوای مذهبی بود و هم بد آن علت برخلاف اکثریت کردگان روستائی در کردستان توانست درس بخواند و سواد بیاموزد.

بعد از پایان رساندن دوره ابتدائی ملا احمد شلماشی مانند همه کسانی که به تحصیل علوم بنی میپردازند، راهی شهرها و روستاها و مناطق مختلف

هر روزی از تاریخ مبارزات خونبار و شورش‌آزادانه خلق کرد شاهند جانبازی و فداکاری یک یا چند نفر از بهترین فرزندان این خلق ستندیده و حقیقی‌ایمال شده‌است. در تاریخ مبارزات رهائی بخش مردم کردستان بندرت روزی رامیتوان یافت که در آن جوان برومندی بشهادت نرسید مگر سوار شجاعی در خون خود غلطید باشد. از این‌رو با سرافرازی و افتخار تمام میتوان گفت که هر روزی از هفته، هر هفته‌ای از ماه و هر ماهی از سال، یاد آور حماسه آفرینی‌ها، رشادت‌ها و جانبازیهای فرزندان فداکاری است که مایه سرفرازی و وطن و باعث غبطه میهن پرستانند.

در میان صفحات زرین مربوط به سالگرد رویدادها، شهرپور ماهی است که در آن نام صدها فرزند قهرمان خلق کرد به ثبت رسیده‌است. فرزندانی که هر یک آفریننده حماسه‌ای و وجود آورنده روستائی شورانگیز از فداکاری و جانبازی

شهرپور ماهی



کردستان گردید. گوش فرا دار، باطراف خود نظر کرد و به مطالبه پیراخت. در روبرو خود خلقی ستم دید و استعمار شده را مشاهده کرد که از یکسو با رستم طوسی حکومت ستمگران برد و شش سنگینی میکند و از سوی دیگر ستم طبقاتی خان و خانزادگان و بزرگان مالکان گروش را ختم کرده است.

ملا احمد با هوش و ذکاوت سرشاری که داشت نیکامیدانست که باید ستمگری، زورگرایی و استثمار برچید شود و نیز بر این حقیقت آگاهی داشت که بدون فداکاری و جانبازی ستمگران از ستم دیدگان کم نخواهد شد و خلقی تحت ستم به آزادی نخواهد رسید. اما چگونه باید مبارزه کرد؟ با چه کسانی همگام شد؟ چه راهی را باید در پیش گرفت و به سوی کدامین آرمان باید رهسپار شد؟ این سوالات و چندین پرسش دیگر از این دست افکار ملا احمد را بخورد مشغول داشته بود.

طولی نکشد که برادرِ حق شناس بیوایان و دوست وفادار استعمارشدگان پاسخ تمامی این پرسشها را پیدا کرد: او مبارزه‌ای

همبسته و سازمان یافته راه حزب مکررات کردستان، راه قاضی محمد، راه جمه‌سوری مه‌بار، آورد گاه اتحاد و همبستگی کارگران، در هفتاد و نهمینفکران انقلابی، و خط مبارزه برای مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان را برگزید.

بعد از آنکه ملا احمد شلماشی به

صف مبارزه حزب مکررات کردستان ایران پیوست شیوه زندگی و مبارزه اش بیشبازه درگون شد. از آن زمان به بعد تنها بصورت ظاهر یک طلبه بحساب می‌آمد که ظاهراً در ری یافتن استاد ی شایسته تروود ستیابی به آموزشی بهتسر از این شهریان شهر و از این منطقه بآن منطقه میرفت و گرنه رواقع او کاری از حزب مکررات بود که برای روشنگری در میان توده های مردم کردستان و کشاندن آنها بداخل صفوف مبارزه بر راستای خط حزب محبوب خود تلاش میکرد به همه روستاها برود و تمامی شهرها را زیر پا بگذارد و با همگان به گفت و شنود بنشیند.

ملا احمد برای چنین رسالت مقدسی لیاقت و شایستگی تمام و کمال داشت. در کردستان طلبه ها و ملاحا با توده های



بقیه: راهسلا آوار همراه.....

مردم روابط بسیار نزدیکی دارند و آمد و رفتشان بمیان زحمتکشان مسئله ایست بسیار معمولی. مردم نیز برای طرح بسیاری از مسائل مذهبی و مشکلات اجتماعی خود بآنها مراجعه میکنند. لیکن ملا احمد علاوه بر مسائل یاد شده، خصوصیات دیگری نیز داشت: خوشرو و خوش زبان بود؛ صدای گرمی داشت و بسیار هم مجلس آرا بود. مردم برای مجلس وی سرود مست میشکستند و آرزو میکردند صدایش را بشنوند؛ برایشان صحبت کند یا شعر بخواند.

با وجود این، پس از چند سال در ستگاه پلیسی رژیم محمد رضا شاه رد پای او را گرفت و به تعقیب وی پرداخت. اینبار ملا احمد تا آنجا که امکان داشت به شیوه ای مخفیانه به کار خود ادامه داد و بالاخره مجبور شد برای مدتی به کوردستان عراق برود و از همان زمان که بر اثر اعتقاد و ایمان بآرمان خلق خود در بدر و آواره شد اسم مستعار "آواره" را انتخاب نمود.

"آواره" چندان آوارگی نکشید و بسیار زود بمیان دستان خود برگشت؛

داشت و تنها امیدش همانها بود. بنده بمیان همان دستبینه بستگان فرودستی گه خود وی بارها در بارشان میگفت: "قربان آن پایتیی های تهی دست کردستان گرم، چرا که فقط آنها یند که تا به آخر همراهیت میکنند و منور رویشان حساب کرد". در پای زحمتکشان کردستان زیستگاه آواره بود و او را پناه میداد؛ او از زحمتکشان یاد میگرفت و بنوبه خود آنها را آموزش میداد.

در قیام مسلحانه سالهای ۴۶-۴۷ نقش اساسی بویژه در زمینه تدارکات و آذوقه بر عهده ملا آواره بود. آواره محبوب و مورد اطمینان مردم بود؛ هر چه میگفت باور میکردند و هر چیزی را برای کار و فعالیت ضروری تشخیص میداد. برایش فراهم می ساختند. آواره بیش از شش سال بطور مخفیانه زندگی کرد و دشمنی موافق بهر گری وی نشد. سازمان جهنمی ساواک و سایر دستگاههای جاسوسی در مقابلش در ماند نبودند.

سرانجام رژیم شاه مانند بسیاری از موارد مشابه دست بدامن خائنین خورد و در مقابلش از کرد نمایان آوارها بدام انداخت



آواره را تیرباران میکردند به عقل ناقص خود چنین خیال میکردند که با اینکار میتوانند فکر ملاً آواره و راه او را نیز نابود نمایند. اما برآستی که نادان بودند و برامخطا میرفتند، زیرا بر همان راستسای راه ملاً آواره هزاران و دهها هزار جوان دلیروبی باک دامن مردانگی به گم‌رزند و علیه ستگری و زورگویی وزیردستی بسه پیکار برخاستند.

یکی از آن فرزندان وظیفه شناس خلق کرد و از شاگردان باوقای ملاً آواره، ملا عثمان یزدان پناه بود که در زندگی حزبی و مبارزاتی اش به "جلال میرآوه‌یی" شهرت یافت. ملا عثمان دقیقاً مانند ملا احمد شلماش زندگی کرد و بزرگ شد. او هم روستایی و اهل یکی از دهات سردشت بود، او نیز بعد از تمام کردن دوره ابتدائی تحصیلات خود را در مدارس دینی ادامه داد و هم بدانرو او نیز مستقیماً با درها و رنجها و تلخی ها و سختی های زندگی زحمتکشانش آشنا بود.

نوجوانی بیش نبود که گندارش به دپیرخانه حزب د مکررات کردستان ایران افتاد و در بخش انتشارات شروع

و او را در روستای دیوان از توابع سردشت دستگیر نمود. مدت بیش از چهار ماه آواره را شکنجه کردند لیکن شکنجه هیچ تأثیری بر ایمان استوارش نگذاشت و لبهای رازدانش بسرای آشکار کردن هیچیک از اسرار حزب از هم گشود نشد. بالاخره در سنگاه سرور و وحشت در مقابلش شکست خورد، به زبونی و در ماندگی خود اعتراف نمود و با بیچارگی تمام حکم اعدام در حق وی صادر کرد که روز یازدهم شهریور ۱۳۴۷ در محله "سهرکهنه کسان" سردشت با جرا در آمد.

برای اثبات رازداری و امانت داری آواره همین بس کمیس از تیرباران او و شکست جنبش مسلحانه ۴۶ - ۴۷ از میان د و هزار و چند صد نفر اعضای حزب در منطقه سردشت تنهاد و نفر به همراه صد هانفر عادی دیگر و آنها هم بطور تصادفی و بدون آنکه شناسائی شده باشند دستگیر شدند، چراکه دشمن هرگز نتوانست بد اخل تشکیل دانی که آواره سازمان داده بود نفوذ نماید.

* * * *

در آن زمان که دشمنان آزادی ملاً



و او را در روستای "دیوالان" از توابع سردشت دستگیر نمود. مدت پیش از چهار ماه آواره را شکجه کردند لیکسن شکجه هیچ تاثیری بر ایمان استوارش نگذاشت و لبهای رازدارش برای آشکار کردن هیچیک از اسرار حزب از هم کشور نشد. بالاخره در سنگاه سرور و وحشت در مقابلش شکست خورد، به زبونی در ماندگی خود اعتراف نمود و با بیچارگی تمام حکم اعدام را در حق وی صادر کرد که روز یازدهم شهریور ۱۳۴۷ در محله "سهرکنه کسان" سردشت با جرا در آمد.

برای اثبات رازداری و امانت داری آواره همین بس که پس از تیرساران او و شکست جنبش مسلحانه ۴۶ - ۴۷ از میان در هزار و چند صد نفر اعضاء حزب در منطقه سردشت تنهار و نعر به همراه صد هانفر عادی دیگر و آنها هم بطور نصابی و بدون آنکه شناسائی شده باشند دستگیر شدند، چرا که دشمن هرگز نتوانست به اخل تشکیلاتی که آواره سازمان را در هبوط نفوذ نماید.

* * * *

در آن زمان که دشمنان آزادی ملا-

آواره را تیرباران میکردند به عقل ناقص خود چنین خیال میکردند که با اینکار میتوانند فکر ملا آواره و راه او را نیز نابود نمایند. اما برآستی که نادان بودند و برامخطا میرفتند، زیرا بر همان راستمای راه ملا آواره هزاران و دهها هزار جوان در لیروی باک و امن مردانگی به کمزردند و علیه ستمگری و زورگویی و زیردستی پسه پیکار برخاستند.

یکی از آن فرزندان وظیفه شناس خلق کرد و از شاگردان باوقای ملا آواره، ملا عثمان یزدان پناه بود که در زندگی حزبی و مبارزاتی اش به "جلال میرآوه پی" شهرت یافت. ملا عثمان دقیقاً مانند ملا احمد شلماشی زندگی کرد و بزرگ شد. او هم روستایی و اهل یکی از دهات سردشت بود، او نیز بعد از تمام کردن دوره ابتدائی تحصیلات خود را در مدارس دینی ادامه داد و هم بدانرو او نیز مستقیماً با درها و رنجها و تلخی ها و سختی های زندگی زحمتکشانش آشنا بود.

نیجوانی پیش نبود که گذارش به دبیرخانه حزب در مکران کرد ستان ایران افتاد و در ریخس انتشارات شروع



رزیم بطور آشکار به کار و فعالیت خود ادامه داد .

روز دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ در شهر سردشت جلال میراوه‌یی به‌خاطر خود بیاننامه حزب را بناسبت سالروز شهادت ملا آواره نوشت ، شخصا آنرا تایید و سپس تکثیر نمود و آنگاه با همکاری کارمندان کمیته شهرستان سردشت بیاننامه یاد شده بود عوتنامه برای برگزاری تظاهرات بناسبت سالروز شهادت ملا آواره را بر دیوار ساختمانهای شهر سردشت چسباند .

روز یازدهم شهریور که یک جمعیت چند هزار نفری برای بزرگداشت خاطره شهادت ملا آواره در تظاهراتی آرام شرکت داشتند ، همه یکدرا فریاد میکردند : " راه ملا آواره راه کرد بینواست . بسیار احتمال می‌رود که این شعار نیز از جانب جلال میراوه‌یی به شرکت کنندگان در آن تظاهرات آموخته شده باشد .

جلال که سراسر زندگی را وقف راه آواره کرد ، بعد چیزی نگذشت که جانش را هم در همان راه فدای نمود . روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۸ یک سنون از لشکریان اهریمن دستار بند بمنظور

بکار کرد . کار آیی و لیاقت جلال واقعا شگفت انگیز بود . هنوز دو سه سال از کارکردنش در آن بخش نگذشته بود که تقریبا کلیه کارهای مربوط به چاپ و انتشارات را فرا گرفته بود . هم مقاله مینوشت و هم ترجمه میکرد ، هم ماشین نویسی میکرد و هم تکثیر مینمود و علاوه بر آن کار غلط گیری را نیز انجام میداد .

رزیم موفقیت جلال در این واقعه نیست نهفته بود که خستگی نمیشناخت ، بسیار باهوش و متواضع بود ، همواره آماده بود به هر پیشنهاد مفیدی گوش دهد ، هرگز عصبانی نمیشد ، بسیار خوشرو بود ، محبوب همکاران و یار و یاور رفقای خود بود . جلال شش سال در این بخش کار کرد و در تمام این مدت هرگز کسی آثار خستگی در چهره وی مشاهده نکرد و هیچ کس از او دلخور نشد و هیچگاه در کار و فعالیت خود تعللی بخرج نداد .

جلال میراوه‌یی نیز مانند ملا آواره در دردی را چشید ، لیکن همزمان با شعله ور شدن آتش قیام مردم ایران علیه دیکتاتوری پادشاهی در سال ۱۳۵۷ به همین خود بازگشت و در آغاز به شیوه مخفیانه و آنگام پس از سرنگونی



با اصطلاح یا کسازای جاده، سردشت - پیرانشهر از شهر سردشت برای اقتصاد این سنون در فاصله روستاهای "واوان" و "گرزال" به کمین یک گروه چند نفری از رهروان راه آواره افتاد. پیشمرگان ضربات سختی بر پیکر آن سنئون وارد ساختند و شمار کتیری از آنها را کشتند.

در این هنگام جلال میراوه‌یی خبر یافت که هم‌زمانش به گلوله آره بی جی. احتیاج دارند. هر چند کاک جلال تنها یک اسلحه کمری داشت و اساساً در بخش نظامی کار نمی‌کرد. لیکن نتوانست آرام بنشیند. از اینرو چند گلوله آره بی جی. و مقداری خوراکی برداشت و عازم محل درگیری شد. مناسبانه بعلمت آنکه به خوبی از موقعیت محل درگیری آگاهی نداشت تا گهان سراز محل تجمع اقرار دشمن در آورد و به اسارت درآمد. دشمن زبون و شکست خورده که در این درگیری بیش از هشتاد نفر از افراد خود را از دست داد و با سرافکنده گی دست بسته عقب نشینی زد بود، به محض برگشتن به سردشت و بدون هرگونه پرس و جوئی یا محاکمهای کاک جلال را تیرباران و بشهات رساند.

بدین ترتیب آواره‌های دیگر همراه آواره رفت و سرمشق قداکاری و وفاداری رهروان راه رهایی گردید. از آن هنگام تا به امروز صد ها آواره و جلال دیگر در همین راه شهید شده‌اند. لیکن این راه همچنان پز رهگذر است و همه آنها آواره‌ها و جلال‌هایی هستند که اسلحه بردوش و جان برکف با سلطه شوم ارتجاع سیا، آخوندی به پیکار برخاسته‌اند.

زحمتکشان یا به گفته آواره "پاپتی‌های تهی دست" منطقه سردشت و کلیه مناطق کردستان که پارویاور آواره بودند همچنان وحتى بسیار بیشتر از گذشته‌ها پشت و پناه آواره‌ها و جلال‌ها هستند و همچنان وفاداران زاه پرافتخار آواره باقی مانده‌اند. بدون تردید اتحاد و همبستگی مبارزاتی زحمتکشان کردستان و پیشاهنگان انقلابی آنها تا بدست آوردن پیروزی نهائی همچنان در جهت شکوفائی پیش خواهد رفت و بالاخره به آرزوی شهیدان گرانقدرمان جامه عمل خواهد پوشانید.

* گرامی یار یار دوشهید

بقیه در صفحه ۳۱



بمناسبت درگذشت "ایلماز گونی"

باهمه "اینها" ایلماز" از یادگیری و آموزش بازنایستاد و به تحصیل اقتصاد در دانشگاه میراخ ت اما زندگی خود را تا باخترتها از راه فعالیت های هنری تأمین نمود .

نخستین فعالیت های هنری "گونی" با انتشار مجموعه اشعار و داستانها آغاز شد . لیکن فعالیت اصلی هنری وی در کار سینما بود که آنرا ابتدا با سناریونویسی و هنرپیشگی شروع کرد و سپس به کارگردانی و تهیه کنندگی رسانید . "ایلماز گونی" از پرکارترین سینماگران ترکیه بود و آثار سینمایی متعدد و گوناگونی خلق کرد . تنها در سال ۱۹۶۵ سناریوی ۲۷ فیلم را نوشت و در ساختن بسیاری از آنها شرکت کرد و در برخی از آنها خود نقش اول را هم ایفا نمود . در سال ۱۹۷۱ هشت فیلم با بودجه های اندک تهیه و کارگردانی نمود که موجب محبوبیت بیش از پیش وی در ترکیه گردید .

اوچ موفقیت "گونی" در کار فیلمسازی فیلم "بول" (راه) بود که در فستیوال کسان

روز نهم سپتامبر (هیجده مه شهر بورماه) خبرنگارانی و غیرمنتظره درگذشت "ایلماز گونی" سینماگر هنرمند و مبارز سرشناس کرد ترکیه در پاریس همه کسانی را که بوی و آثارش آشنایی داشتند بشدت تکان داد .

"ایلماز گونی" در سال ۱۹۳۷

میلادی در سیوهوک (نیمراه بیسن شهرهای دیار بکر و اورفا در کردستان ترکیه) متولد شد . چند سالی از تولدش نگذشته بود که خانواده وی بعلت فقر مادی و بامید یافتن کار از کردستان به "آرانا" رفت . دوران نوجوانی و جوانی "ایلماز" همه در جستجوی کار گذشت و برای امرار معاش بکارهای گوناگون پوزحمت و کم درآمدی دست زد . به همین جهت با مشقت و زنج و فقر و نرسداری خود گرفت و استثمار اقتصاد سیاسی را چنان در رک و ویوست خود حس کرد که همه زندگی سیاسی و هنری خود را در مبارزه برای آزادی و رهایی زحمتکشانش گذراند .



سال ۱۹۸۲ بد ریافت مدال طلا نائل آمد و موجب شهرت بین المللی وی گردید.

"ایلمازگونی" سراسر زندگی را در مبارزه انقلابی علیه استثمار و استعمار و برای دفاع از حقوق زحمتکشان گذراند و فیلمها و آثار دیگر وی همگی مایه های قوی اجتماعی - سیاسی دارند. این فعالیت های مبارزاتی انقلابی موجب شهرت و محبوبیت بیض از پیش روی در کار سینماگری شد اما بدیهی است که معرفیت و پیشرفت وی در کار سینما بنوبه خود به تاثیر مبارزات سیاسی او افزود. بقول خودش: "سینما و سیاست رانمیتوان از هم جدا دانست. هدف من رهایی مردم در یارم میباشد و سینما وسیله مبارزه من است برای آزادی"

این فعالیت های سیاسی موجب شد بهود کمیومنه از سوی حکومت های ترکیه تحت فشار و پیگرد باشد و بارها بزندان بیفتد. از جمله در سال ۱۹۷۲ به اتهام همکاری با دانشجویان مبارز به هفت سال و نیم زندان محکوم شد ولی پس از دو سال بعلت محبوبیت و معروفیت فراوانش از زندان آزاد گردید. آخرین بار با اتهام قتل یک قاضی بزندان افتاد و به ۱۸ سال زندان محکوم شد تا بالاخره

در سال ۱۹۸۱ از زندان گریخت و خود را با رویارسانید. روپهم ۱۱ سال از عمرش در زندان گذشت، اما فعالیت های هنریش را هم همچنان ادامه داد و بخصوص بعضی از فیلم های بسیار معروف خود مانسند: "زمین"، "شمن" و نیز "راه" (یول) را از زندان بکمال دستاوردش که در خارج زندان بودند ساختن و هبری و سرپرستی کرده است.

بامرگ زود رس و نابهنگام "گونی" خلق های کرد و ترك یکی از محبوب ترین چهره های هنری - سیاسی خود را از دست دادند. "ایلمازگونی" بعنوان یک کرد مبارز آزاد پیخواه بویژه در سال های اخیر فعالیت های چشمگیری از خود نشان داد. علاوه بر اینکه مضمون و صحنه بسیاری از فیلم هایش و بویژه دو فیلم معروف "گلّه" و "راه" را از جامعه کردستان و زندگی خلق کرد انتخاب کرد بود. در مبارزه سیاسی هم آزادی خلق کرد در سر لوجه تلاش های وی قرار داشت.

وی عضو فعال انستیتوی کرد بود که در ریست و چهارم فوریه ۱۹۸۳ (پنجم



بقیه: بمناسبت درگذشته

شد (مزار صادق هدایت نویسنده معروف ایرانی هم در همین گوردستان است) .
 آخرین وصیت " ایلمازگونی " آنستکه هر وقت کردستان آزاد شد جسد وی را منتقل کنند و در کردستان محبوسش بخواه بسیارند .

سند (۱۳۶۱) در پاریس تأسیس یافت . از این گذشته در تشکیل یک سازمان سیاسی کرد بود که طبق نظر اومبیاستی بیشتر سازمانهای سیاسی چپ کردستان ترکیه را در خود گرد آورد .
 " ایلمازگونی " چندین بار تعاضل خود را به آمدن به کردستان ایران و تهیه یک فیلم از زندگی مردم کردستان ایران ابراز داشته و مذاکراتی در اینباره بین وی و حزب مکران کردستان ایران در جریان بود که متأسفانه اجل مهلتش نداد و این طرح را ناکام گذاشت .

یادش گرامی و آرزویش برآورد مبارک

* * * * *

بنابه وصیت خود ایلمازگونی جسد او برای آخرین دیدار و دستداریان ابتدا در انستیتوی کرد پاریس بامانت گذاشته شد . پس از چهار روز در روز سیزدهم سپتامبر (بیست و دوم شهریور ماه) با حضور بیش از شش هزار نفر و با شرکت جمعی از شخصیت های سرشناس فرهنگی و هنری فرانسه باز هم بنا به وصیت خود در

بقیه: راصهلا آواره

پرافتخار راه مکران، ملا آواره و جلا

میراوهیسی!

* افتخار ابدی از آن تمام

شهیدان راه آزادی!

* برقرار باد مکراسی

خود مختاری، آرمان والای شهید ایمان

* نابود باد ارتجاع و امپریالیزم



بقیه : لاف و کزاف رژیم . . .

که با مردم بظاهر بممد ارا رفتار کنند و پس از آنکه از راه قتل و کشتار و یا وحشیگری جایی را اشغال کردند مردم بگویند که مزاحمتی برایشان ایجاد نخواهد کرد و بهمیشمرگان هم بگویند که ما کاری بکسار شما نداریم و شما هم بکار ما کاری ندارید. شما و از اینگونه یاوه‌ها و فریب کاریها. اما پیشمرگان کردستان خیلی خوب به چیزی که در پس این نیرنگها نهان شده است آگاهند و مردم کردستان هم خوب میدانند که رفتار اسلامی یعنی چه؟ و طریق کسب خورد مختاری بود مکرر استی که است.

دشمن میخواهد در جاهایی که حضور نظامی دارد اما از پشتیبانی و حمایت توده‌های مردم بی بهره است با ریاکاری و نیرنگ بازی و عوام فریبی نظر مردم را بسوی خود جلب کند و بدین وسیله پیشمرگان را از پایگاهها و محلههای استقرارشان محروم سازد. در نقاطی هم که نمیتواند حضور نظامی مستمر و کنترل داشته باشد در صدد است با اخراج مردم از روستاها و انتقال اجباری آنان به نقاط دیگر در بین پیشمرگان و مردم خلایقی

ایجاد کند و پیشمرگان را از نظر جا و مسکن در مضیقه بگذارد. اما همانطور که گفتیم دشمن در این مورد کاملا اشتباه میکند او هنوز نتوانسته است در کرد کند که برای پیشمرگ در امنه هرکوهی، پناه هر تخته سنگ سایه هر درختی و خم هر کوهچاهی خور پایگاهی است. از اینهم بیشتر، جاس پیشمرگان در قلب توده‌های مردم است این جایی است که هیچ نیرویی قادر نیست از اختیارشان بدر آورد. بنا بر این رژیم در کردستان قادر به جدا کردن مردم از پیشمرگان نیست و بدون شک این آرزو را با خود بگور خواهد برد. مسأله ملی هم بسیار تمیقتر از آنست که رژیم تصور کرده است. خود ساختار خواست حزب مکررات تنهانیست خود مختاری آرزوی دیرین خلق کرد خرد و کلان است و تا وقتی که این خواست عادلانه تحقق نیافته است مردم کرد دست از مبارزه برنمی‌دارند و بیگمان در هر حکومتی که این خواست دیرینه را توجه قرار ندهد خواهند ایستاد. و اما از رژیم خمینی گذشته، بر دیگر دشمنان جنبش کردستان چه آه است؟ واقعیت آنست که تمایز



بقیه : لاف و گزاف رژیم و

شوونیستی را بران بر اثر مبارزه و تلاش بی وقفه سازمانهای مترقی و مقاومت قهرمانانه مردم کردستان روبه ضعف نهاده و کار بجائی رسیده است که حتی شوونیستها هم نمیتوانند قهرمانیها و مقاومتهای خلق کرد را برابر رژیم خمینی انکار کنند. گرچه وقتی مسأله اعتراف به حق خود مختاری مطرح میگردد زبانشان لال است و وعدههای عنوزهم بصراحت خود مختاری را تجزیه طلبی مینمایانند و هرگاه سخن از خود مختاری بمیان میآید فریاد "وا وطن" سر میدهند. برخی دیگر هم که میخواهند خود را در مکررات بنمایانند خود مختاری را بصورت یک مسأله عمومی در میآورند که همه ایرانیان از شیرازی، مشهدی، قمی و تهرانی بایست از آن برخوردار گردند! و بدین ترتیب مسأله ملی را لوٹ میکنند که بدیهی است چنین موضعی بسیار خصمانه تر از موضع آنهاست که خود مختاری را مستقیماً رد میکنند. لیکن حتی اینها هم بناچار

بمیان میآورند و از اینکه رژیم خمینی نسبت به کرد ها ظلم روا میدارد شکوه سر میدهند!

سخن کوتاه - طیر غم جار و جنجال تبلیغاتی رژیم و دیگر دشمنان مردم کردستان و حزب مکررات، در حال حاضر وضع در کردستان از بسیاری جهات از سابق بهتر است. مبارزه به گرمی و با شدت و شیوه پارتیزانی که از تاکتیکهای دیگر موفق تر است ادامه دارد. رژیم با وجود استفادهاز همه امکانات نظامی خود نتوانسته است بر جنبش حق طلبانسه کردستان پیروز گردد. جنبش از نظر سیاسی - نظامی و چه از نظر تشکیلاتی و تبلیغاتی گامهای بزرگی برداشته است و کسانی که بانگاهی در ستانه یا حد اقل بیفرضانه به کردستان و جنبش آن میسنگرند در مییابند که لاف و گزاف رژیم تا چه حد تو خالی است و کردستان قهرمان چگونه محکم و استوار تا رسیدن به حقوق عادلانه خود در میدان مبارزه ایستاده است.

پایان



بقیه: شماره ۱۰۰ کوردستان

رهائیبخش خود رامیگذرانند و "کوردستان" بمثابه زبان حال حزب د مکررات و منعکس کننده خواستهها و نیازمند بیهای مردم کوردستان د رسنگر د فاع از آزادی نشر مییابند همچنان محبوب، همچنان مستقل، همچنان صادق و همچنان محل اطمینان مردم حق طلب کوردستان است.

امید واریم "کوردستان" د آینده هم بهتر از پیش فعالیت خود راهمچنان ادامه دهد و مثل همیشه چراغ راه مبارزه رهائیبخش مردم کوردستان ایران باشد. آرزویمان آنستکه د آینده ای نزد یک جمهوری اسلامی ایران جای خود را بینه رژیم د مکرراتیک و خلقی بسپارد و حزب د مکررات کوردستان ایران فعالیت عظمی خود را د ایرانی د مکرراتیک و کوردستانی خود مختار از سرگیرد و "کوردستان" هم د فضائی آزاد بصورت نشریه های روزانه د ردهها هزار نسخه انتشار یابد.

بقیه: کوردستان د رنخستین...
د راههای آغازگشته بتوسط خلق کورد آرام آرام به پیش میروند. تداوم این پیشرفت د رگرو بسط شیوه های د مکرراتیک مییابند. د مکرراتی د رحال حاضر خود را د ر برخورد د مکرراتیک تعالی یابند عرضه میکند. باشد که د مکرراتی د ر برخورد و سلوک به د مکرراتی د تمامی ابعاد بدل شود و د مکررات بودن نه یک برخورد و سلوک بلکه یک خصیلت اجتماعی گردد. باشد که چنین شود!

بقیه: همسویی با...

امروزه وجود چنین روابطی با اسرائیل د قیقا بمعنای زیریادگ داشتن آرمان خلق ستعدیده فلسطین و پشت پازدن بخواست انسانی این ملت معصوم است بنابراین، اگر بتوان د رساله خرید و فروش جنگ افزار د ر بازار جهانی از "همسویی" سخن میان آورد، روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل را به چیزی جز "همسویی" نمیتوان تعبیر کرد تا نظر "رفقا"ی! تود هی اکنون چه باشد؟! *



" یسارین "

از مجموعه: " پرواز پرستوهای عاشق "

به شفق خون شهیدا

د در ریزش آبخار از کوه
د در سوزش زخمهای زخمی ها
د در لرزش گلبرگهای سفید گل ختی

تو خفته‌ای، ای شهید!

د در وقار پولاد بین کوهها
د در سکوت صبحگاهی در رها
د در سرخی آتش قلبها

تو ماندی، ای شهید!

ما پارتیزانها

بهر ریزش خون ستارگان
بهر لرزش دل و دست مادران
به سوزش قلب خونین کردستان

قسم خورده و با تفنگ هم قسم شدیم

ما با وقار انفجاری سلسل

د در سکوت سنگین جنگ دیدیم

و اینک د در شفق آتشفشانی خلقها

یا رومیانیم



ای رفیق! ای پارتیزان!

گل سرخ زیبایی که در شمن بر سینها ت آویخت

بهار خونین را مژده داد.

مادر چله‌ی بهاران گل‌های سرخ چیدیم

و در قلب ما یوس خلق کاشتیم

اینک، در شکوفایی آن بهار

خورشید خونین در ریش‌ت کوه‌های کردستان

میخندد

و مسلسل پیشمرگان را میخند

در مسلسل پیشمرگان کردستان
تو رسته‌ای، ای شهید!

این بار،

در ریش‌ت کوه‌های کردستان

روبه آفتاب آتشین، ما ماندیم

ای رفیق! ای پارتیزان

از نفس گرم و سوزانیت

بوی باروت شهید را، رفقا را

می‌شنوم

ای رفیق! ای پارتیزان

ای پارتیزان! ای رفیق!

در چهره گل سرخی آفتاب

در ستاره باران آسمان کردستان



آتش مسلسل پيشمرگان ميد رخسند

در دريای رخسند آتشها، بايد رخسند

بايد رخسند

ای رفیق! ای پارتیزان!

بايد رخسند، بايد رخسند

تابهار خون، گل دهد و

از خونمان لاله آمد.

بهره سوور (سرود شت)

۵۹/۶/۲۲

منتشر شد :

- ۱- تاريخچه جنبشهای ملی کرد (چاپ جديد) فارسی
- ۲- جنگ در کردستان (شماره ۳)
- ۳- تیکوشنه (ژماره ۷) کردی
- ۴- بحث کوتاهی در باره سوسیالیزم (فارسی)



رادیو صدای کردستان ایران

همه روزه:

امواج کوتاه ردیفهای ٤١، ٤٠، ٣٩ و ٣٨ متر

برنامه اصلی: ساعت ٣/١٢ تا ٣/٢ بعد از ظهر

عین این برنامه: " ٤ تا ٥/٣ "

برنامه گردی روز بعد: " ٨ تا ٧ صبح "

اصلاح و پوزش

آخرین پلنوم کمیته مرکزی ج. د. ک. ا. در روزهای پانزدهم تا بیست و چهارم مرداد ماه برگزار گردیده است. بنا بر این گزارش دفتر سیاسی هم در همین ماه "مرداد" به پلنوم تقدیم شده است و نه در شهریور ماه. ^٢نظور که با شتاب در شماره قبیل " کوردستان " (شماره ٩٩) درج شده بود.